

## مشکلات مسلمانان

در

### نیجریه

بجست کوتاه‌ذیر، چکیده‌ای از مقاله‌ایست که بوسیله یک معلم پاکستانی در شمال نیجریه، نوشته شده و نخست بزبان اردو در مجله «ترجمان القرآن» (لاهور، پاکستان) چاپ شده و سپس با انگلیسی در آمده که ما آنرا از انگلیسی ترجمه نموده و برای خوانندگان محترم نقل میکنیم.

این مقاله خواندنی ولی تأسف‌انگیز، نشان میدهد که: عقیده گروهی درباره اینکه قاره آفریقا، هم اکنون در تصرف اسلام بوده و از هر جهت برای پیشرفت مسلمانان آمادگی کامل دارد، اشتباه آمیز بوده و در واقع یک نوع نیرنگ سیاسی از طرف گروه‌های تبشیری مسیحی است که برای ادامه ناآگاهی مسلمانان جهان از حقیقت وضع «منه‌ب» در قاره سیاه، شایع شده است. البته در آفریقا، از نظر آمار، تعداد مسلمانان بیشتر از سایر مذاهب است، ولی باید توجه داشت که هم اکنون مشکلات و گرفتاریهای گوناگونی دامگیر مردم مسلمان آن‌سامان گشته است که شمه‌ای از آنرا در باره مسلمانان چاد در شماره قبل خواندید و اینک درباره نیجریه میخوانید.

مادر شماره‌های آینده، درباره نیجریه، خود مقالاتی خواهیم داشت ولی اکنون به ترجمه خلاصه مقاله آموزگار پاکستانی توجه کنید:

\* \* \*

معمولا چنین گزارش داده میشود که ۷۷ درصد مردم نیجریه مسلمان هستند، ولی اکنون باید توجه داشت که بعلت سستی و غفلت مسلمانان و فقدان جنبش و تحرک لازم، در سالهای گذشته آنطور که من تخمین میزنم، تعداد مسلمانان از ۷۷ درصد به ۷۰ درصد رسیده است و شاید اوضاع کنونی نیجریه، شرایطی بوجود آورد که در بیست سال آینده این رقم به ۵۰ درصد تقلیل یابد. هیئت‌های تبشیری مسیحی پشت سر هم به نیجریه می‌آیند و به کار و کوشش می‌پردازند و سپس اعلام میدارند که ما، در کوششهای خود شکست خورده‌ایم! و مسلمانان نیجریه شمالی هرگز از دین خود دست برنمیدارند... ولی این اظهارات نیز، یک نیرنگ مسیحی برای خواب کردن هر چه بیشتر مسلمانان و برای فراموش کردن باخت‌های گذشته ما است.

در نیجریه علاوه بر هیئت‌های مسیحی محلی، ۲۱ هیئت و میسیون خارجی مشغول فعالیت

هستند. آنان در هر گوشه و کناری از کشور نیچریه، به توسعه مسیحیت پرداخته اند و در بیمارستان‌ها، در مدارس ابتدائی و متوسطه، در کوچه و بازار، مسیحیت را ترویج میکنند و در کتابفروشی‌هایی که باز کرده‌اند، همراه کالاهای بازرگانی دیگر، ادبیات مسیحی و کتابهای مسیحیگری را می‌فروشند و توزیع میکنند و سود حاصله از آنرا، برای توسعه کار میسیونهای مسیحی خرج میکنند.

مدرسه‌های دولتی که ظاهراً با برنامه فرهنگی محلی اداره میشوند، در واقع تحت نظرو اداره مسیحیان قرار دارند، تا آنجا که ۹۰ درصد از هیئت‌های مدیره مدارس محلی و دولتی، مسیحی هستند و کنترل کامل آن مدارس را در دست دارند و ۸۰ درصد آموزگاران و معلمان مدارس، مسیحی میباشند که يك قسمت از وظیفه خود را تعلیم مسیحیت برای دانش‌آموزان میدانند.

از طرف دیگر، بدبختانه آموزگاران و دبیران مسلمان، درباره «مذهب» اطلاعات بسیار ناقصی دارند و یاروح و شهادت خدمت باسلام را ندارند.

من بعنوان يك معلم، که توانسته‌ام فرصتهائی برای مطالعه و بررسی اوضاع نیچریه بدست آورم و باصدها دانش‌آموز خانواده‌های مسلمان، (که در مدارس میسیونهای مذهبی مسیحی تحصیل میکنند) گفتگو کنم، باین نتیجه رسیده‌ام که متأسفانه ۹۰ درصد آنان، گرایش سختی به مسیحیت دارند و ۱۰ درصد باقی‌مانده هم که تمایلی به مسیحی شدن نکرده‌اند، لاقدر باره اسلام، تردید دارند.

اصولاً مسلمانان نیچریه را میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

**گروه اول:** اکثریت ده درصد دهقانانند که در روستاها زندگی میکنند و مسلمان هستند ولی فقط در شناسنامه واسم مسلمان هستند. عده‌ای از آنان حتی نمیتوانند درباره عقیده اسلامی چیزی بگویند و یا بخوانند و کودکان آنان هم که طبعاً بسوی مدارس مسیحی سوق داده میشوند، تا زمانیکه از مدرسه بیرون بیایند و فارغ التحصیل بشوند، بی‌شک مسیحی شده‌اند!، برای آنکه محیط خانه آنان، نمیتواند نفوذ و تأثیر تملیمات مدرسه را خنثی سازد و بطور کلی واکنش این خانواده‌ها، درقبال مدارس مسیحی، منتفی است.

**گروه دوم:** خرده مالکان و یا افراد کاسب و بازاری را تشکیل میدهند که اطلاعاتی درباره مذهب دارند و هر گز هم دوست ندارند که ببینند فرزندان شان از اسلام برگشته‌اند، ولی آنان چاره‌ای ندارند، یا باید فرزندان خود را بمدارس بفرستند و یا آنان را بیسواد نگه‌دارند و آینده‌شان را تباه سازند.

و چنانکه اشاره کردم، متأسفانه خیلی فرق نمیکند که فرزندان مسلمانان به مدارس میسیونهای مسیحی بروند و یا بمدارس دولتی و محلی، برای آنکه آموزگاران این مدارس، درباره آموزش مسیحیت، همان وظیفه‌ای را انجام میدهند که معلمان مدارس تبشیری به‌عهده دارند!

کودکانی که در این مدارس تحصیل میکنند ، اگر هم بطور کلی از اسلام برنگردند ، بی شک در این مدارس ، نسبت باسلام بی رغبت میشوند . در مدرسه ای که من تدریس میکنم ، عده ای از دانش آموزان را می شناسم که به مسیحیت گرویده اند ، ولی هنوز آنرا به پدران و مادران خود اعلام نکرده اند . .

**گروه سوم** که بنظر من بیشتر از سه درصد نیستند ، واقعاً درباره مسئله مذهب دقیق و یاریک بین هستند و فرزندان این گروه به «مدارس عربی» میروند ، ولی متأسفانه تعداد آن مدارس ، در قسمت شمالی نیچریه از پنج مدرسه تجاوز نمیکند . البته در نیچریه کلاسهای ابتدائی و یا باصطلاح «مکتب خانه» هائی وجود دارد که شاگردان آنها میتوانند متن عربی قرآن را نیز بخوانند ولی آیا این تعداد برای مردم نیچریه کافی است ؟ ... هرگز !

البته این مدارس مطالب غیر مذهبی تعلیم نمیدهند ولی آنها تئیکه تعلیماتی در این مدارس می بینند ، بشکل یک گروه «افرادمذهبی حرفه ای» درمیآیند که نه روح و نه کفایت خدمت باسلام را دارند . بسیاری از آنان که مقام آموزگاری امور مذهبی را بعهده میگیرند ، مطالب را بطرز دکماتیک و خشک و جامد ، بمردم تعلیم میدهند و اصول اسلامی را فقط در عبادات ؛ ( نماز ، روزه ، زکوة ، حج ) محدود میسازند و بدین ترتیب اسلام را یک کار قلبی و معنوی و یک امر خصوصی بین پروردگار و بندگانش ، قلمداد میکنند .

هم اکنون گروهی از دانش آموزان مدارس متوسطه که اداره کارهای مملکتی در آینده بعهده آنها خواهد بود ، متأسفانه عملاً از اصول اسلامی روگردان شده اند . مسلمانان اینجا ، اعم از پیر و جوان ، از یک نوع عقده حقارت و «خود کم بینی» رنج میبرند . اگر شما از آنها پرسید که مسلمان هستند یا نه ؟ آنان با فروتنی ناراحت کننده و تبسمی بیروح ، پاسخ مثبت میدهند . آنان هر گونه حس بزرگی و احترام بخویشتن را از دست داده اند . آنان زهر گونه دشنام و بد گوئی که نسبت باسلام بعمل آید ، ابراز نفرت و انزجار نمیکنند !

کتابهای تاریخی دبیرستانهای دولتی که مالا مال از مطالب فاسد و مسمومی برضد اسلام است تاکنون صدای اعتراض آنان را بلند نکرده است .

\* \* \*

در نیچریه پیامبر اسلام در بسیاری از نشریات هفتگی و ماهانه ، بطور غیر محترمانه ای مورد گفتگو واقع میشود ، ولی کسی توجه نمیکند ! این خود باختگی و فروتنی بی جا ، بقعیده من ناشی از جهل و نادانی نسبت باسلام و از طرف دیگر ، ناشی از پیشرفت و ترقی همسایگان مسیحی است که همیشه مورد پشتیبانی همه جانبه غرب بوده اند ...

متأسفانه مسلمانان ، نه کتابها و کتابخانه هائی برای رد نظریات خصمانه درباره اسلام را در اختیار دارند و نه یک محیط و خانه ای که بتواند افکار و عقاید مسخ شده اسلام را اصلاح کند .

علاوه بر فعالیتهای خستگی ناپذیر میسیونرهای مسیحی داخلی و خارجی ، عامل غرب زدگی ، کشش و جذابیت اعجاز آمیز و سریعی در فرو بردن مسلمانان در گمراهی ، بهمه دارد . اینها هر چیزی را که از غرب برسد ، با مسرت کامل می پذیرند .

\* \* \*

موضوع کوتاه فوق یک تابلوی تأسف انگیزی از آینده مسلمانان را در نیجریه ، نشان میدهد ، بویژه که این کشور بصورت فدرالی در آمده که ایالتهای گوناگون آن تقریباً بطور مستقل اداره میشوند ، و همین امر آینده مسلمانان را در دایره کشورهای مشترک المنافع بریتانیا ، بخطر میاندازد . در ناحیه غرب نیجریه ، مسلمانان و مسیحیان ، بر میبرند و در شرق نیجریه مسیحیان و بت پرستان زندگی میکنند . مردم نیجریه برای صحبت کردن از زبانهای گوناگونی استفاده می کنند : زبان هوسا *Hause* و فرانسه و انگلیسی مخلوط ، در همه جا بکار میرود . اصلاح این وضع ناگوار ، نیازمند یک گروه از مردم مسلمان غیور و مبلغان مذهبی اسلامی فداکاری است که بطور مرتب از این مملکت بازدید کنند و در ضمن تماس با توده مردم ، حقیقت دین اسلام را با آنها بازگو کنند .

همچنین نشریاتی بزبان هوسائی و انگلیسی بویژه ترجمه قرآن مجید ، باید در دسترس مرکز اسلامی روشن فکران نیجریه (*Ilorin, N. Nigeria P.O.Box 53*) گذاشته شود تا آنان برای اصلاح عقائد آشفته مردم مسلمان و یا معرفی حقیقت اسلام ، آنها را توزیع کنند .

### مسئولیت سنگین !

مسئولیت مسلمانان کشورهای اسلامی ، در قبال وضع مسلمانان آفریقا بسیار سنگین و پراهمیت است ، برای هدایت و راهبری صحیح مردم آفریقا و برای نجات مسلمانان این قاره از گمراهیها و تباهیهای که دامگیرشان میشود ، و برای احیاء حقیقت اسلام در بین مسلمانان این سرزمین ، باید تمام کسانی که قدرت دارند ، بهرنحوی که مقدورشان باشد ، اقدام کنند . و البته مسئله اعزام مبلغ ، آشنا ساختن مسلمانان با حقیقت اسلام و پخش نشریات گوناگون ، در مرحله اول اهمیت قرار دارد .

مسلمانان باید از روش پیامبر اکرم (ص) سرمشق بگیرند و از مشکلات و نارااحتیها و سختیها نهراسند و هر کسی باندازه توانائی خود ، در راه معرفی اسلام بکوشد . قرآن مجید بطور آشکار ب مردم با ایمان وعده داده است که اگر به وظایف خود عمل کنند ، پیروزی نهائی با آنها خواهد بود ، اما اگر ما وظایف خود را در این قاره ، در قبال برادران مسلمان خود که اسیر تبلیغات زهر آگین ضد اسلامی شده اند ، فراموش کنیم ، بی شک در پیشگاه عدل الهی مورد بازخواست شدید قرار خواهیم گرفت ...